چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نقدی بر پیش‌نویس مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان

مدیریت خیالی انرژی در صنعت ساختمان

جواد عبدل‌زاده
ناظر و مجری پایه یک سازمان نظام مهندسی استان آذربایجان شرقی

برای مقررات ملی ساختمان و مباحث بیست‌وسه‌گانه آن، هدفی غیر از رسیدن به یک ساختمان استاندارد و ایمن در جهت تأمین آسایش ساکنین در بازه عمر مفید ساختمان نمی‌توان متصور شد. در این مقررات مفصل، مباحث طراحی، اجرا، مصالح، نصبیات و ایمنی به طور خاص مورد توجه قرار گرفته و با گذر زمان و پیشرفت‌های علمی به دست آمده و تجارب حاصل از عملیاتی‌شدن مقررات، هم بر تعداد مباحث افزوده شده و هم به‌روزرسانی آن‌ها به استاندارد جهانی و ویرایش مقررات، خود را نزدیک و نزدیک‌تر ساخته است. مبحث دوم مقررات ملی ساختمان، این مباحث را مجموعه اصول و قواعد فنی و ترتیب کنترل اجرای آن‌ها می‌داند که باید در طراحی، محاسبه، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری ساختمان‌ها در جهت تأمین ایمنی، بهداشت، بهره‌دهی مناسب، آسایش، صرفه اقتصادی، حفاظت محیط‌زیست و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و حفظ سرمایه‌های ملی رعایت شود.

وزارت راه و شهرسازی با زیرمجموعه‌ای به‌نام «مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی» متولی تدوین و ابلاغ این مقررات شناخته می‌شود که آن مرکز نیز با تشکیل کارگروهی ویژه به نام «دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان»، از سال ۱۳۶۶ اقدام به تدوین این مقررات نموده است. مقررات ملی ساختمان فراگیرترین ضوابط موجود در عرصه ساختمان است که در تلاش می‌باشد سطح کیفی ساخت‌وساز و بهره‌برداری و نگهداری از ساختمان‌ها را افزایش داده و با ارائه حداقل‌ها، وضع مطلوب و متناسب کشور را رقم بزنند. در همین راستا شورای تدوین مقررات ملی ساختمان و کمیته‌های تخصصی که همگی از استادان مطرح رشته‌های مرتبط با ساختمان هستند، تلاش جامعی در خصوص بهبود ضوابط انجام داده و با ارائه ویرایش‌های متعدد از مباحث بیست‌وسه‌گانه، سعی در تسریع و تسهیل نیل به ساخت‌وساز استاندارد دارند.

مبحث ۱۹ و پیش‌نویس جدید

مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان با عنوان «صرفه‌جویی در مصرف انرژی» با ویرایش چهارم، در سال ۱۳۹۹ ابلاغ شده و در ساخت‌وسازهایی که ملزم به رعایت مقررات ملی ساختمان هستند، عملیاتی شده است. طبق همه مباحث مقررات ملی، این قوانین از طراحی تا اجرا با نظارت سازمان نظام مهندسی ساختمان و مهندسان طراح و ناظر زیرمجموعه آن سازمان، عملیاتی شده و نظارت عالیه وزارت راه و شهرسازی و همراهی شهرداری‌ها از جهت استناد به مباحث، پشتوانه عملیاتی مقررات قلمداد شده است.

دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان در جهت به‌روزرسانی این مبحث مهم، اقدام به ارائه پیش‌نویس جدید این مبحث در پاییز سال جاری کرده و از استادان و مهندسان و متخصصان و دست‌اندرکاران امر ساختمان، مساعدت فکری مسئلت کرده است که روالی قابل تقدیر از طرف دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان است. در این نوشتار به بررسی جوانبی از این پیش‌نویس می‌پردازیم.

ناترازی‌های انرژی و سهم صنعت ساختمان در آن

ناترازی انرژی در ایام کنونی نیازی به تعریف ندارد. اگر قطعی‌های برق در تابستان و پاییز امسال و سال‌های پیش را مدنظر داشته باشیم که ناشی از عدم توانایی سیستم در تولید برق متناسب با مصرف و آن هم ناشی از عدم امکان سوخت‌رسانی مناسب به نیروگاه‌ها به دلیل کمبود عرضه گاز بوده است. ناترازی چیزی نیست غیر از عدم تناسب تولید و عرضه، چه از نظر مقدار و چه از جهت قیمت. ناترازی نمایان‌سازی مشکلات ما در عرصه به‌روزرسانی و نوسازی سیستم‌ها و فرهنگ غلط و غیراستاندارد در مصرف است. مگر می‌شود کشوری که دومین ذخایر گاز و نفت جهان را دارد، در دهه آخر پاییز از ترس قطعی گاز، اقدام به تعطیل کردن کلیه ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها کند و با قطعی‌های جدولی برق، سعی در حفظ شاکله زیستی خود داشته باشد؟ آری، مصرف بی‌رویه و نادرست و استهلاک ماشین‌آلات در صنایع گوناگون، سرانه مصرف انرژی در کشور را به ۱/۸ برابر متوسط جهانی و ۲/۸ برابر کشورهای توسعه‌یافته رسانده و دولت را در بحران تأمین برق و گاز گرفتار ساخته است. از این مصرف بالای انرژی، سهم بخش ساختمان چیزی بالغ بر ۴۰ درصد انرژی تولیدی در کشور عنوان می‌شود که رقم بسیار بالایی است.

ناترازی در مصرف و هدررفت روزافزون انرژی در ساختمان به نوعی بوده که قوه مجریه را در خصوص عملیاتی شدن برنامه ششم توسعه مجبور به صدور دستوری بر لزوم کاهش ۵ درصدی هدررفت انرژی در ساختمان به صورت سالانه کرده است. یا در برنامه هفتم توسعه، تکلیف ۲۹ درصدی در کاهش مصرف انرژی برای این صنعت را تعیین کرده است که معادل ۳۷۲ هزار بشکه در روز از تولید نفت خام محسوب می‌شود. قوانینی که رسیدن به اعداد و ارقام آن، فقط و فقط با دلخوش کردن به ابلاغ‌ها و رونمایی از اسناد، محقق نشده و وضع فاجعه‌بار عملیاتی نشدن آن‌ها سال‌های بعد و شاید خیلی زودتر از آن رخ می‌نماید و آنگاه چه سود! شاید همین تکالیف است که دفتر تدوین را تشویق و به نوعی ملزم به تهیه پیش‌نویسی جدید برای مبحث ۱۹ مقررات ملی کرده است.

محاسن پیش‌نویس مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان

پیش‌نویس ارائه شده جدید برای مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان، امتیازهای قابل توجهی دارد که بایستی مورد تقدیر قرار گیرد. مهم‌ترین این محاسن، تغییر عنوان مبحث از «صرفه‌جویی در انرژی» به «مدیریت انرژی در ساختمان» است. این تغییر رویکرد از «دستور به صرفه‌جویی» به سوی «مدیریت»، خود گام بسیار اساسی در فرهنگ‌سازی درست مصرف بهینه انرژی است؛ چراکه صرفه‌جویی برای برخی از جهت «کم مصرف کن تا همگان مصرف کنند» و یا از دیدگاه «کم مصرف کن تا هزینه‌ات کمتر شود»، هیچ‌گاه تعریف نشده و متأسفانه فرهنگ «خودبینی و زیست فردی» و «دارندگی و برازندگی» برایشان غالب بوده است. عنوان مدیریت انرژی در ساختمان خود می‌تواند نقطه عطفی در تشویق به زندگی مدبرانه داشته و عمر مفید حیات انسانی با ممیزه آسایش را افزایش دهد. این عنوان کمک می‌کند تا همگان خود را در سرمایه عظیم انرژی کشور سهیم دانسته و بی‌تدبیری‌ها را فقط به حساب عده‌ای مسئول ننویسند.

دومین مزیت قابل ذکر این پیش‌نویس، احترام تهیه‌کنندگان آن به حفظ محیط زیست و حذف قالب چاپی پیوست‌های متعدد مبحث ۱۹ است. بدیهی است که با پیشرفت‌های فراوان رخ داده و قابلیت‌های افزون دسترسی در دنیای دیجیتال، از بین بردن محیط‌زیست برای تولید کاغذ و چاپ کتاب (آن هم مباحثی که دائماً در حال تغییر هستند) امری غلط است که تدوین‌کنندگان مبحث به درستی از این امر خود را بری ساخته و در ضمن با مجازی کردن پیوست‌ها، امکان به‌روزرسانی آن با پیشرفت‌های سریع داده‌ها در دنیای کنونی را مهیا ساخته‌اند.

سومین مزیت را می‌توان ادعای تهیه‌کنندگان پیش‌نویس در خصوص مطالعه و آگاهی کامل از قوانین بالادستی و مرتبط با مبحث دانست که ضمن نامبردن از آن‌ها، خود را ملزم به رعایت آن‌ها و دوری از قانون‌گذاری‌های موازی و گاهی متضاد دانسته‌اند. این امر از جهت کاستن از مشکلات قانون‌گذاری و دور نمودن مخاطبان از حیرت و سرگردانی در بین قوانین متضاد، بسیار مهم و شایسته تقدیر است.

چهارمین مزیت این پیش‌نویس، اهمیت دادن فوق‌العاده آن به بازرسی‌های ادواری است. این بازرسی‌ها برخلاف سایر مباحث مقررات ملی که عموماً به طراحی و زمان ساخت محدود می‌شد، اینک در این پیش‌نویس به صورت ادواری برای دوران بهره‌برداری نیز در نظر گرفته و الزامی شده است که خود نشانه‌ای مثبت در راستای نیل به اهداف اصلی مقررات ملی و مخصوصاً در بهره‌دهی مناسب و آسایش ساکنان ساختمان‌هاست.

پنجمین مزیت نیز می‌تواند از نظر فنی، تبدیل چهار روش موجود طراحی در مبحث ۱۹ به دو روش و مشخص کردن دقیق ضوابط آن‌ها برای کسب حداقل رده انرژی C برای تمام ساختمان‌ها باشد که عاملی است در جهت ایجاد وحدت رویه در طراحی و امکان سنجش درست داده‌ها در طول زمان و بهره‌برداری بهتر از آن‌ها برای رسیدن به رده‌های بالاتر انرژی در صنعت ساختمان. یکی روش تجویزی و اجباری و دیگری روش شبیه‌سازی و تقریباً اختیاری.

تأکید بر کاربردی کردن هوش مصنوعی در مدیریت انرژی و سخن از دوقلوی دیجیتالی برای ساختمان نیز از دیگر محاسن این پیش‌نویس هستند که می‌توانند در صورت نگاهی استراتژیک به آن‌ها، خود پایه‌گذار تحولی نو در بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور و رفع ناترازی‌های موجود باشند، البته به شرط وجود امکانات و تحقق لوازم الزامات.

اشکالات وارد بر پیش‌نویس مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان

بدیهی است که ارائه مبحث تدوین شده به صورت پیش‌نویس و نظرخواهی در باب آن، به معنی روحیه کمال‌طلبی و رشد «دفتر تدوین مقررات ملی» بوده و بایستی از آن در جهت پیرایش پیش‌نویس و رفع معایب نهایت بهره را برد. نمی‌خواهیم روی اشکالات عدیده تایپی یا ویراستاری پیش‌نویس و یا عدم ارائه لیست پیوست‌های مجازی مبحث تأکید کنیم که امید است تدوین‌کنندگان این مباحث که به عنوان قانون در مراجع و محاکم قابل استنادند، در رفع این معایب ظاهری و قالبی دقیق‌تر بوده و فرصت بیشتری را صرف کنند.

آنچه در این مقاله سخن از آن خواهد رفت، اشکالات و معایب محتوایی پیش‌نویس است که آرمان شهری غیرقابل دسترس برای صنعت ساختمان ایران در چند سال پیش‌رو و حداکثر تا یک دهه آینده متصور شده که ثمری غیر از سودجویی برخی نهادها و توقف رشد ساخت مسکن و قطع بیشتر درختان برای چاپ مبحث با ویرایش جدید، به همراه نخواهد داشت. این ایرادات به شرح زیر فهرست می‌شوند.

۱ در این پیش‌نویس، رسیدن تمامی ساختمان‌ها در مرحله طراحی به رده‌بندی انرژی C به عنوان حداقل‌ترین رده انرژی مورد قبول در ایران، الزامی و کنترل اخذ این رده در مرحله طراحی و ساخت الزامی دانسته شده است. طبق اکثر مقررات و ضوابط، جدول زمانی نیز برای نیل به رده‌های بالاتر ذکر شده است که به عنوان مثال از سال چهارم بایستی تمامی ساختمان‌های مسکونی به رده B به عنوان ساختمان کم‌مصرف و در سال هشتم به رده A به عنوان ساختمان بسیار کم‌مصرف و از سال دهم به رده A+ به عنوان ساختمانی با مصرف انرژی در حد صفر خود را ملزم کنند. ضوابط تعیین شده برای رسیدن به رتبه انرژی C در این پیش‌نویس چنان سفت و سخت گرفته شده که رسیدن به آن حتی در مرحله طراحی نیز با عنایت به وضعیت صنعت ساختمان ایران، بسیار دشوار است، تا چه برسد به مرحله اجرا و بهره‌برداری. از سوی دیگر، بی‌شک تغییر از C به B و از B به A و A+ در عرض حدود ده سال با توجه به سابقه موجود در کشور از جهت تکنولوژی‌های ساخت، قیمت تمام شده مسکن و بازار عرضه و تقاضا، امری کاملاً محال و تکلیفی لایطاق به صنعت ساختمان است. شاید دور بودن تدوین‌کنندگان مباحث مقررات ملی از بازار مسکن و کارگاه‌های ساختمانی عامل این امر بوده باشد.

۲ فارغ از خیالی و توهمی بودن بازه ده‌ساله رسیدن صنعت ساختمان ایران به ساخت ساختمانی با مصرف انرژی در حد صفر (A+) باید به عوارض جانبی این تصور تدوین‌کنندگان نیز دقت‌نظر داشت. به‌عنوان نمونه اخذ پروانه منوط به اخذ رتبه C انرژی در مرحله طراحی قلمداد شده است که شاید در روی نقشه و دفترچه‌های محاسباتی میسر باشد. لیکن شرط اخذ پایان کار، منوط به اخذ همان رتبه با اجرای همان نقشه‌ها در زمان اتمام ساخت قلمداد شده و به‌صراحت در این پیش‌نویس اشاره شده که انشعابات برق و گاز واحدها پس از تأییدیه رده انرژی قابلیت اعطا به ساختمان‌ها را خواهند داشت. دور بودن تدوین‌کنندگان از ساخت‌وساز کشور یعنی همین. یعنی عدم اطلاع ایشان از بازه عجیب و طویل‌المدت اخذ پایان کار و عدم احاطه ایشان به نهادهای مسئول در این کار که خود هفت‌خوان رستمی است بس دشوار. حال قرار است محل رانت جدیدی در این بخش ایجاد شده و سازنده برای اخذ پایان کار و نصب انشعابات، علاوه از تمامی استعلامات موجود فعلی (از جمله داشتن مدت پروانه و عدم خلافی و امکان نیرورسانی و امکان دادن کنتور!) دست به گریبان داشتن رتبه انرژی نیز باشد.

۳ پیش‌نویس مبحث ۱۹ طوری طراحی شده است که علاوه بر سیستم نظام مهندسی و نقش آن در کنترل طراحی‌ها، نهاد دیگر صلاحیت‌داری! وارد عرصه شده و طراحی‌ها را کنترل کند. از سوی دیگر علاوه بر ناظران نظام مهندسی در مرحله اجرا، نهاد دیگری که صلاحیت آن نیز از طرف دفتر مقررات ملی تعیین خواهد شد، ناظر بر امور ساخت باشد. تازه وقتی همه امور مربوط به طراحی و ساخت تمام شده و به فرض محال، تمامی امور مو به مو طبق نقشه‌های مورد تأیید عملیاتی شده باشد، نهاد دیگری نسبت به کنترل ادواری ساختمان تا آخر عمر تخریبی آن نظارت کند. این نهادسازی مبحث ۱۹ چیزی نیست غیر از کنار نهادن نظارت سازمان نظام مهندسی از بخشی از امور تأسیساتی و حتی معماری ساختمان و ایجاد نهادی مجزا برای کنترل بحث تأسیسات آن هم در ظاهر؛ چرا که در همین اخذ رده، نازک‌کاری‌های ساختمان تأثیر بسیاری در رتبه انرژی ساختمان داراست. حال سؤال این است این نهاد موازی جدید کیست؟ چگونه سازمان‌دهی می‌شود؟ چگونه تشخیص صلاحیت خواهد شد؟ این نهاد جدید چه هزینه‌ای به صنعت ساختمان تحمیل خواهد کرد؟ مواضع جدید رانت این مجموعه چه مشکلاتی برای نه‌تنها سازنده، بلکه بهره‌برداری‌کنندگان ایجاد خواهد کرد؟ و اصلاً ثمرهٔ این نهاد جدید چه خواهد بود؟ مگر غیر این است که این افراد، افرادی غیر از مهندسان مکانیک و برق سازمان نظام مهندسی نمی‌توانند باشند! پیش‌نویس ما را در این باب به پیوست پنجم قرارداده نشده در سایت دفتر مقررات ملی ساختمان هدایت می‌کند و احتمالاً مجموعه‌های حقیقی و حقوقی که آموزش و سنجش و احراز صلاحیت و معرفی آن‌ها (با امید به آشنازدایی‌ها و عدم پارتی‌بازی‌ها) خود سال‌ها زمان لازم دارد.

۴ پیش‌نویس ارائه‌شده در حالی که بحث شناسنامه فنی و ملکی ساختمان حداقل از سال ۱۳۸۴ (اشاره‌شده در مبحث دوم مقررات ملی) تاکنون هیچ‌گاه درست و صحیح عملیاتی نشده و به‌صورت صوری و ظاهری تکمیل و در پرونده‌ها بایگانی شده است، سخن از صدور شناسنامه الکترونیکی انرژی برای ساختمان‌ها می‌کند. این پیش‌نویس درحالی‌که سیستم نظارت فعلی در امر ساختمان با محدودیت‌های زیادی مواجه بوده و مراحل نظارتی آن با مشکلات عدیده‌ای درگیر است، سخن از نظارت‌های ادواری در طی مراحل ساخت می‌کند. این پیش‌نویس از آزمایش‌های در زمان ساخت سخن می‌گوید بدون توجه به اینکه در سیستم ساختمان‌سازی کشور، چیزی غیر از آزمایش بتن و جوش هنوز قابلیت فرهنگ‌سازی حتی به شکل حداقلی، نداشته است. آیا می‌توان به چنین پیش‌نویسی و عملیاتی‌شدن آن دل‌خوش داشت؟ آیا این نوع ایدئال‌نگری آن هم با تعیین بازه محدود و الزامی کردن برای اخذ پایان کار و وصل انشعابات، چیزی غیر از رانت برای گروه‌های مورد نظر دفتر مقررات ملی است؟ آیا دفتر مقررات ملی به این نکته واقف است که بعد از گذشت حداقل ۱۹ سال از آخرین ویرایش مبحث دوم، هنوز بحث شرکت‌های مجری تأسیسات در امر ساختمان‌سازی شکل نگرفته و شرکت‌های مجری سازه و معماری نیز بیشتر قالب صوری دارند. افسوس از این همه دوری از واقعیت‌ها.

۵ پیش‌نویس جدید بر اجباری بودن BMS (سامانه مدیریت ساختمان) و EMS (سامانه مدیریت انرژی) در ساختمان‌های بالای ۹ طبقه یا بیش از ۵۰۰۰ متر تأکید داشته و از الزام وجود سامانه‌های پایش و زیرپایش و اتصال آن به سامانه و پایش کشوری آن هم به‌صورت ممتد و برخط و بلادرنگ سخن گفته است. این تکالیف بازهم با تهدید به عدم صدور رده انرژی و عدم صدور گواهی پایان کار پررنگ جلوه داده شده و ارزش امضاهای طلایی گروه‌های صلاحیت‌دار مورد نظر دفتر مقررات ملی را بالاتر برده است.

بی‌شک هر انسان متفکری بر این امر آگاه است که با سیستم‌های اینترنتی موجود در کشور، این‌گونه تدوین مقررات چیزی نیست غیر از نهادسازی برای رانت‌خواری بیشتر. (چیزی شبیه سیستم نظارت تصویری اداره اماکن و تأییدیه‌هایی که برای دوربین‌های مداربسته اجباری شده است.) تدوین‌کنندگان محترم احتمالاً هنوز متوجه نشده‌اند که در دوران کنونی کنتورخوانی برق و آب و گاز در کشور با حضور مأموران از ادارات مربوطه انجام می‌شود. هنوز در کشور کنتورهای آب و گاز دیجیتال مورد استناد نبوده و قابلیت تأیید نهایی نیافته‌اند. در چنین اوضاع عقب‌ماندگی دیجیتالی، این همه الزام و تکلیف لایطاق به صنعت ساخت‌وساز چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

۶ در تهیه پیش‌نویس مبحث ۱۹ چنان بر استفاده از سیستم تأسیسات مرکزی اصرار و در برخی موارد الزام و اجبار نشان داده شده است، که انگار تهیه‌کنندگان از سیستم آپارتمان‌نشینی و مشکلات عدیدهٔ آن و پرونده‌های مربوطه در محاکم از جهت اختلافات درونی و عدم پرداخت شارژ و... بی‌خبر هستند. بی‌شک سیستم تأسیسات مرکزی لوازمی دارد که از آن جمله ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی، تغییرات جدی در شیوه اخذ عوارض از طرف شهرداری، توجه به قوانین شرکت‌های آب و برق و گاز و اصلاح تعرفه‌های مربوطه و از همه مهم‌تر، قراردادن اختیارات قانونی در حیطه مدیریت ساختمان است. آیا در الزام‌های موجود پیش‌نویس، به این موارد توجه شده است؟ آیا به تفاوت اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها در این موضوع عنایت شده است؟

۷ اجرایی شدن پیش‌نویس جدید مبحث ۱۹ مشروط به طراحی درست و اجرای بی‌نقص است. در این اجرای بی‌نقص فارغ از دانش فنی و مهارت مجریان، مصالح و تجهیزات نیز نقش بسیار پراهمیتی دارند. به نظر چنین می‌آید که تدوین‌کنندگان محترم، تولید مصالح کاملاً استاندارد و داشتن برگه‌های فنی برای آن‌ها در تمام نقاط کشور و حفظ دائمی کیفیت تولید را فرض گرفته و مجری و سازنده را مکلف به تهیه آن در هر شرایطی طبق مندرجات نقشه کرده‌اند. به‌گونه‌ای که به‌صراحت لزوم استفاده از تجهیزات ذکرشده در دوران طراحی و عدم تغییر آن در دوران ساخت و نصب تجهیزات را متذکر می‌شوند. امری که در واقعیت صنعت ساخت‌وساز با توجه به تحریم‌های موجود، محدودیت‌های وارداتی، تعطیلی‌های خطوط تولید داخل کشور، ضعف سیستم نظارتی اداره استاندارد، امضاهای طلایی و تأییدیه‌های صوری امری محال است. به نظر می‌آید برای تأمین نظر تدوین‌کنندگان این مبحث سازنده بهتر است قبل از اخذ پروانه و صدور رده انرژی، نسبت به خرید تمامی اقلام و تجهیزات اقدام کند! تا در آینده دچار بازرسی‌های دوره‌ای و هزینه‌های طراحی و کنترل مجدد پیش‌بینی‌شده در این پیش‌نویس نشود!

۸ فصل هفتم این پیش‌نویس نیز درحالی‌که می‌توانست بدل به گامی اساسی در عملیاتی شدن واقعی مبحث ۲۲ در خصوص «مراقبت و نگهداری از ساختمان‌ها» شود، با الزامی کردن تهیه نقشه‌های چون ساخت برای ساختمان‌های ساخته‌شده قبل از این پیش‌نویس و الزامی بودن طراحی مجدد و ارائه راهکار اجرایی برای رسیدن به رده C و بعداً بقیه رده‌ها و سخن گفتن از طراحان و مجریان ذی‌صلاح و ناظران برای بهینه‌سازی انرژی در این ساختمان‌ها و تکرار طراحی و اجرا تا رسیدن به هدف، آرمان شهری غیرقابل دسترس را تعریف کرده است تا در آینده گروه‌هایی سودجو بیشتر و بیشتر به فکر اخاذی از بهره‌برداران ساختمان باشند. مثل برخی گروه‌های بازرسی و سرویس آسانسورها یا بازرسی و کنترل سیستم‌های اعلام و اطفای حریق.

۹ آخرین مورد در باب ایرادات پیش‌نویس نیز این نکته است که آب در این پیش‌نویس جایگاه خاصی نداشته و با وجود کم‌آبی و بی‌آبی که در آینده‌ای خیلی نزدیک گریبان کشور را خواهد گرفت، نقشی در مدیریت استفاده از آن در این پیش‌نویس وجود ندارد. در این پیش‌نویس سخن از الزام برق تجدیدپذیر در ساختمان‌ها با افزایش هر ساله آن شده! از اخذ مابه‌التفاوت تولید برق سخن رفته، اما از آب و اثرات آن در مدیریت انرژی ساختمان سخنی به میان نیامده است! آری این پیش‌نویس برای حداقل و حداکثر دمای ساختمان‌ها در ایام سال برنامه دارد، برای بازیافت حرارت قانون دارد، اما برای مدیریت مصرف آب، هیچ حرفی ندارد!

حرف آخر

پیشنهاد می‌شود دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان بدون تعجیل نسبت به بازبینی پیش‌نویس اقدام کرده و به این نکته توجه داشته باشد که از زمان اجباری شدن ویرایش چهارم مبحث ۱۹ مقررات ملی از تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۴ اندکی بیش از سه سال گذشته و شاید نیازی به ویرایشی جدید آن هم با این همه تغییر وجود نداشته باشد. دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان بایستی به شرایط دشوار صنعت ساخت‌وساز در کشور عنایت داشته و سعی کند با اضافه‌کردن حداقل قوانین الزامی جدید به سراغ بهینه‌سازی و مدیریت انرژی در ساختمان‌ها برود. بهتر نیست این دفتر در گام نخست به فکر تغییر ضوابط در خصوص پوسته‌های خارجی - سطح نورگیر ساختمان‌ها - درزبندی‌های ساختمانی - تأمین استانداردهای مورد نیاز شیشه و پروفیل - چگالشی کردن پکیج‌ها یا مدیریت اجباری در باب آب خاکستری، رفته و سعی کند با اصلاح این مواضع هدررفت انرژی، ساختمان‌ها را آرام‌آرام به سوی مدیریت درست پیش ببرد. یادمان نرود، سنگ بزرگ نشانه نزدن است.

احیای مرکلیسم در سرزمین ژرمن‌ها؟!

اولاف شولتس، صدراعظم آلمان آخرین روزهای حضور خود در مسند قدرت را سپری می‌کند. وداع زودهنگام شولتس با قدرت، منبعث از اختلافات عمیقی بود که میان حزب متبوعش (سوسیال دموکرات)، دموکرات‌های آزاد (FDP) و حزب سبز در بطن دولت ائتلافی وجود داشت. اختلافات شدید سه حزب ائتلافی بر سر موضوعاتی مهم و کلان مانند نحوه ارائه و تنظیم درآمدها در بودجه سالیانه، جنگ اوکراین و نوع مواجهه با بحران مهاجرت غیرقانونی، عملاً نقطه پایانی نداشت! در نهایت خروج دموکرات‌های آزاد از دولت منجر به تبدیل دولت ائتلافی به دولت حداقلی و اکنون دولت حداقلی تبدیل به دولت تشریفاتی و محکوم به سقوط شد. به عبارت بهتر، اکثر رسانه‌ها و تحلیلگران آلمانی بر پایان تاریخ مصرف سیاسی شولتس و همراهانش متفق‌القول بوده و صرفاً بر سر جانشینی وی در مسند صدارت اعظمی سرزمین ژرمن‌ها اختلاف نظر دارند.

احیای مرکلیسم؟

بدون شک آنگلا مرکل، صدراعظم سابق آلمان که ملقب به بانوی آهنین در برلین بود، دیگر قصد بازگشت به مسند قدرت را ندارد. با این حال حزب متبوع مرکل (حزب دموکرات مسیحی) قطعاً خود را اصلی‌ترین رقیب حزب سوسیال دموکرات و صدراعظم ورشکسته آن یعنی اولاف شولتس قلمداد می‌کند. در این میان، همه نگاه‌ها روی یک سیاستمدار خاص متمرکز شده است؛ فریدریش مرتز! مرتز، رهبر حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (CDU)، خود را صدراعظم بالقوه آلمان قلمداد می‌کند و حتی برخی اخبار پشت‌پرده در برلین، خبر از رایزنی‌های گسترده میان اعضای ارشد حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی بر سر انتصاب اعضای کابینه جدید دارد. انتخابات زودهنگام پارلمانی در آلمان قرار است در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (۴ اسفند ۱۴۰۳) برگزار شود. فریدریش مرتز، سیاستمداری ثروتمند، شدیداً محافظه‌کار و یک وکیل شناخته شده در حوزه تجارت (حقوق تجارت) است که وعده بازگشت به ریشه‌های محافظه‌کار حزب اتحادیه دموکرات مسیحی را داده است. او در حال حاضر در نظرسنجی‌ها به عنوان محبوب‌ترین گزینه برای پیروزی در انتخابات ۲۳ فوریه شناخته می‌شود. مرتز، اهل ایالت نور راین وستفالیاست؛ ایالتی که مولد تحولات اجتماعی و تاریخی زیادی در آلمان بوده و برخی شهرهای آن مانند دوسلدورف، تبدیل به کانون تجمعات صنعتگران و صاحبان سرمایه در اروپا شده‌اند. اما سؤال اصلی اینجاست که آیا می‌توان حضور احتمالی مرتز در مسند صدراعظمی آلمان را مترادف با احیای مرکلیسم و بازگشت به سنت‌های صدراعظم سابق آلمان در عرصه اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی برلین قلمداد کرد؟ پاسخ این سؤال قطعاً منفی است!

غیریت‌سازی مرتز- مرکل

مرتز طی سال‌های گذشته و اخیر، برخی سیاست‌های مرکل در مسند صدراعظمی آلمان را به چالش کشیده و در یک جمله، معتقد است که مرکل یک محافظه‌کار واقعی نیست! رهبر کنونی حزب دموکرات مسیحی معتقد است چراغ سبزهایی که صدراعظم سابق آلمان به روس‌ها در خصوص رایزنی‌های دوجانبه امنیتی در اروپا نشان داده، بر خلاف اصول و مبانی رویکرد محافظه‌کارانه در عرصه سیاست خارجی برلین بوده و آلمان باید گارد به مراتب بسته‌تری را در برابر روس‌ها اتخاذ کند. فراتر از آن، در مسئله مهاجرین نیز مرتز، طرفدار سخت‌گیری‌های گسترده علیه مهاجران غیرقانونی و اتخاذ سیاست درهای بسته روی آنهاست. نکته مهم‌تر اینکه مرتز، آتلانتیسیسم (رابطه آمریکا- اروپا در دو سوی آتلانتیک) به مثابه یک راهبرد کلان و ارزش قلمداد کرده و فروپاشی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را بدترین لحظه احتمالی در تاریخ روابط بین‌الملل قلمداد می‌کند.

حملات مرتز به شولتس

مرتز، اولاف شولتس را نیز از انتقادهای سرسختانه خود در قبال موضوعات اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی بی‌بهره نگذاشته است. رهبر حزب دموکرات مسیحی به‌صورت خاص، سیاست‌های اقتصادی شولتس را عامل مشکلات کنونی آلمان می‌داند. او همچنین از رویکرد شولتس در مورد بحران اوکراین و عدم تأمین موشک‌های کروز برای اوکراین انتقاد کرده است. همین رویکرد انتقادی نشان می‌دهد مرتز در صورت حضور در رأس معادلات سیاسی و اجرایی در برلین، رویکرد تندتری نسبت به شولتس در قبال جنگ اوکراین در پیش خواهد گرفت. موضوعی که کلیت آن می‌تواند با حضور ترامپ در کاخ سفید و صدور دستور عقبگرد اجباری کاخ سفید به زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین به طور کامل تغییر یابد! نکته بسیار مهم‌تر اینکه مرتز بابت پیروزی در انتخابات و اینکه تا چه اندازه‌ای در مسند صدارت اعظمی، قدرت مانور داشته باشد نیز نگرانی‌هایی دارد. فراموش نکنیم که ائتلاف‌های سیاسی در برلین پیچیده است و مرتز باید با دیگر احزاب، از جمله دموکرات‌های آزاد در راستای تشکیل دولت ائتلافی وارد مذاکره شود. همین مسئله، قطعاً مرتز را از یک صدراعظم با قدرت مطلق، به صدراعظمی با قدرت نسبی تبدیل خواهد کرد.